

نقش رعایت آداب در اثربخشی تبلیغ

محمد شریفی^۱

چکیده

هر جامعه‌ی دارای ارزش‌ها و هنجارهای مخصوص به خود است که فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد و هر جامعه شیوه‌ی خاص زندگی خود را دارد و با آن شناخته می‌شود رفتار می‌کند. آداب هستند که افراد جامعه در رفتارهای عادی خود اعمال می‌کنند. به عبارتی، آداب اجتماعی، رفتاری هستند که بر اثر تکرار فراوان و تثبیت کنش‌های متقابل اجتماعی فراهم می‌آید. کلیه آداب از سوی جامعه دارای ارزش و اهمیت یکسانی نیستند و باتوجه به فرهنگ‌ها و تاریخ‌ها متفاوت بوده‌اند.

رعایت آداب اخلاقی و اجتماعی در موفقیت و اثر گذاشتن بر وی مخاطبان نقش مؤثری دارد بخصوص توجه و رعایت به نحوه‌ی سخن گفتن و استفاده از کلمات و نیز آراستگی ظاهری موجب می‌گردد تا شنوندگان پیام تحت تأثیر سخنان گوینده قرار بگیرند. در این نوشتار سعی شده است به آداب ظاهری و باطنی اشاره گردد که موردتوجه مخاطبان بوده مانند نحوه لباس و ظاهر و آرایش سروصورت و نیز استفاده از ادبیات و واژه‌ها در سخن گفتن که هرکدام به‌نو به خود پیام‌رسان را در انتقال محتوای پیام کمک می‌کند و در دل مخاطب نقش می‌بندد.

کلیدواژگان: نقش، رعایت، آداب، اثربخشی و آرایش.

^۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه.

مقدمه

آداب اجتماعی و سنت‌ها که بستگی به فرهنگ جامعه دارد، دارای ریشه‌های تاریخی‌اند و دو جنبه مثبت و منفی دارنده با تغییر و تحولات روزگار و شرایط اجتماعی و تاریخی، دچار دگرگونی می‌شوند. منظور از جنبه مثبت آداب و رسوم در حیات اجتماعی آن است که باعث رشد و شکوفایی معنوی، اخلاقی و اجتماعی، افراد شوند و رعایت آن‌ها در عرصه‌ی تبلیغات نقش مؤثر داشته باشد و اما جنبه منفی آن‌ها باعث تنزل افکار و تردید در نگاه مخاطبان نسبت به پیام‌ها می‌گردد و به طور بایسته سخنان و پیام‌ها در افراد اثر نمی‌گذارد.

رعایت آداب (چه ظاهری و یا باطنی) در هنگام ایفای وظیفه تبلیغی، نقش مهمی در انتقال سخنان گوینده دارد بخصوص که در ادبیات گفتاری از کلمات استفاده کند که خوشایند مخاطبان بوده و جذابیت داشته باشد.

امروزه در غالب جوامع انسانی بخصوص آن دسته از جوامع که در پی انتقال فرهنگ و القای ارزش‌های موردنظر خود به جوامع دیگر هستند، سعی می‌کنند در انتقال دادن پیام از قالب‌ها و ادبیات جذاب استفاده کنند به‌ویژه از شیوه‌های فیلم، نقاشی، شعر... که باعث می‌شود تا مخاطب زود پیام مورد خواسته گوینده را دریافت کند و از آن الگوبرداری نماید. در این تحقیق سعی شده است به آن دسته از آداب ظاهری و باطنی اشاره گردد که نقش مؤثری در انتقال پیام دارد.

مفهوم شناسی

گاهی ادب به معنای تربیت و مترادف با آن به کار می‌رود. «چون در ثلاثی مزید آمده، صیغه ادب و تأدیب فراهم آی دوه به معنای ادب آموخت به کار می‌رود» (رشیدپور، آشنایی با

تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش‌ها، ۱۳۷۶: ۱۷) آداب از مهم‌ترین هنجارهای اجتماعی و الگوهای رفتاری محسوب می‌شود؛ بنابراین به‌منظور تعریف اصطلاحی آداب در ابتدا باید تعریفی از هنجار اجتماعی ارائه دهیم.

هنجار بی‌معنای قاعده یا دستورالعملی است که مشخص می‌کند که مردم در رابطه با شرایط خاص چگونه رفتار و منش ظاهری باید داشته باشند. فایده این استاندارد رفتاری آن است که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند. هنجارها از این بابت بر ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی اثر می‌گذارند که تجویزکننده و درعین حال نهی‌کننده رفتارها هستند. هر فرهنگ، پاره فرهنگ و یا هر گروه دارای هنجارهایی است که بر آن حاکم است و از این طریق رفتارهای متناوب را تعیین می‌کند. قوانین، طرز لباس پوشیدن، همه گونه‌هایی از هنجارهای اجتماعی هستند. هنجار قاعده‌ای است که به هدایت الگوی اجتماعی می‌پردازد. نمونه‌هایی از هنجارها دربرگیرنده قوانین، اصول اخلاقی و رهنمودها، عادات و رسوم و قواعد رفتارهای مؤدبانه است. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۰)

آداب: «رفتارهای جمعی هستند که علی‌رغم ناکامی‌ها تجدید و تکرار می‌شوند و نمی‌توان آنان را تکرار کم‌وبیش آگاهانه یک عرف، عادت، توسط همان‌ها تلقی کرد. رسمی که جز تداوم یک عرف متداول نباشد، خیلی زود به جهت ناکامی‌ها محو خواهد شد. به‌این‌ترتیب، فهم ارزش و بردش‌یوه‌های زندگی جوامع به‌اصطلاح مبتنی بر آداب و رسوم، امکان‌پذیر خواهد بود» (آلن؛ ۱۳۶۶: ۷۹)

آداب اجتماعی به مجموعه اعمالی گفته می‌شود که به‌منظور خوشایند دیگران انجام می‌گیرد. مانند آداب غذا خوردن، آداب لباس پوشیدن، دیدوبازدید دوستانه، پیوندهای خانوادگی و روابط خویشاوندی (کوئن، ۱۳۷۲: ۶۱)

انواع آداب:

آداب به دودسته ذیل تقسیم می‌گردد:

الف) آداب ظاهری

۱. پوشش مناسب

یک مبلغ وقتی در حضور مردم است از پوشش مناسب استفاده کند و از پوشیدن لباس‌های که با شأن وی ناسازگار است، باید پرهیز کند. رعایت آداب ظاهری اگر مهم تراز رعایت آداب باطنی نباشد، کمتر نیست چون مردم عوام چیزی را که با چشم می‌بینند، قبول دارند و بر اساس آن به قضاوت می‌پردازند.

۲. آراستگی ظاهری

هرکس در هر جامعه‌ای که زندگی می‌کند، از آراستگی ظاهری خودش می‌آید و آدم‌ها مرتب را دوست می‌دارد. در این فرصت از نوشتار سعی شده است آراستگی ظاهری و نقش تأثیرگذار آن در ایجاد روابط دوستانه میان گوینده، پیام‌رسان و مخاطب، مورد بررسی قرار بگیرد.

۳. زیبایی و آراستگی ظاهری در اسلام

پیشوایان راستین دین، از آن جمله ریحانه پرشکوه و پروا پیشه پیامبر، خود نمونه آراستگی و برازندگی بود و در زندگی سرشار از ظرافت، لطافت و قداست که داشت به پیروان خود نشان داد که در پاسخ به ارضای این حس طبیعی در انسان و رهبری درست و معتدل و بدون افراط و تفریط آن، باید موهبت زیبایی را در نظام آفرینش گرامی داشت و آن را با آراستگی اخلاق انسانی و نجابت و عفاف، زیباتر ساخت.

قرآن به عنوان یک دستورالعمل در حوزه زندگی دل‌نشین اجتماعی به تجمل و خودآرایی فرمان می‌دهد و می‌فرماید: یا بنی آدم: «خذوا زینتکم عند کل مسجد» (اعراف: ۳۱) ای فرزندان آدم! جامه و زینت خود را در هر نماز و عبادتی بپوشید!

قرآن کریم در نکوهش عناصر گریزان از زیبایی و برازندگی ظاهری می‌فرماید: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده. (اعراف: ۳۲) ای پیامبر! بگو زینت‌ها و زیبایی‌هایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده است و نیز رزق و روزی‌های پاکیزه را، چه کسی بر آن‌ها حرام گردانیده است؟

به‌عنوان نمونه می‌توان در این راستا به این مصداق تاریخی اشاره کرد. پیامبر گرامی به یکی از همسران خود که از آراستگی و برازندگی و بها دادن آن حضرت به این موضوع شگفت‌زده شده بود، فرمود: «خداوند دوست می‌دارد هنگامی که بنده با ایمانش به‌سوی برادران دینی و هم‌نوعان خویش می‌رود، آراسته و برازنده بر آن‌ها وارد شود: «ان الله يحب اذا خرج عبده المؤمن الى اخيه» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۵۱)

حضرت امام حسن (ع) وقتی برای نماز و نیایش با خدا آماده می‌شد، بهترین و زیباترین لباس خویش را می‌پوشید و خود را از همه‌ی شه‌آرا سته‌تر می‌ساخت. این امام همام فرمود: «خدای سبحان زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد به همین جهت من برای راز و نیاز با پروردگارم، لباس زیبای خویش را می‌پوشم چرا که او دستور داده است که: به هنگام رفتن به مسجد و پرستشگاه، زینت و زیور خود را برگزید و آراسته و پاکیزه باشید! (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵)

برخی تصور می‌کنند که ایمان محکم و باطنی پاک، برای فرد مؤمن کافی است و رسیدگی به شکل ظاهر، اهمیت چندانی ندارد؛ درحالی‌که نه تنها چنین گمانی صحیح نیست، بلکه به‌عکس، بخشی از برنامه‌های دستورهای اسلام درباره نظافت، زیبایی و آراستگی ظاهری مانند: بهداشت، لباس، رنگ و بوی بدن است. اهمیت این دستور، زمانی آشکار می‌شود که اسلام، پیروانش را از هرگونه بی‌توجهی به آراستگی ظاهری منع می‌کند. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «إن الله تعالى يبغض الوسخ والشعث (سیوطی، ۱۴۰۱: ۲۸۳) خدای تعالی شخص چرکین و ژولیده را دشمن می‌دارد.» بنابراین اگر ناآراستگی، دشمنی با خداوند است، پس آراستگی ظاهری مؤمن، دوستی با خداوند است.

در تعالیم پیشوایان اسلام، درباره آراستگی ظاهر، توصیه‌های فراوانی مطرح شده است. آراستگی ظاهر، طریقی برای احترام به خویشان و دیگران است و بر همگان به‌ویژه مروجان و مبلغان مکتب اهل بیت (ع) لازم است که در تحت هر شرایطی حداکثر توجه خویش را به این مهم مبذول دارند؛ چراکه در نظر اول، ظاهر انسان نماینده می‌شود و سپس پیغام‌های درونی و افکار وی منتقل می‌شود. امام صادق (ع) به یکی از یارانش می‌فرماید: «إظهار النعمة أحب إلى الله من صيانتها فإياك أن تتزين إلا في أحسن زى قومك». (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۴۰) نمایان کردن نعمت، نزد خدا از نگه‌داشتن آن محبوب‌تر است، پس مبادا جز به بهترین شکل مورد پسند به‌سوی قومت حاضر شوی. «اهمیت زیبایی و آراستگی ظاهری فرد مؤمن تا بدان‌هاست که امام علی (ع) می‌فرماید: «التجمل من أخلاق المؤمنين (آمدی، ۱۳۷۸: ۴۳۵). آراستگی از اخلاق مؤمنان است.

افزون بر شرع مقدس، عقل سلیم نیز بر ضرورت آراستگی و زدودن آلودگی ظاهری حکم می‌کند. آراسته بودن در اجتماع از آن نظر اهمیت دارد که ظاهر آراسته بر شخصیت و رفتار انسان، نیز تأثیر می‌گذارد. آراستگی ظاهری، خودآرایی فرد و نظافت ظاهری و پاکیزگی او، نقش بسزایی در جاذبه ظاهری او داشته، او را باثبات و باوقار نشان می‌دهد. گفتنی است که غالباً ظاهر آدمی تا حدود زیادی برگرفته و حاکی از باطن او است. ظاهر جذاب، شیک، آراسته، نظیف می‌تواند حکایت از درونی آرام، منظم و فاقد هرگونه آشفتگی روحی داشته باشد. خودآرایی و آراستگی، عاملی برای آرامش روحی و روانی آدمی است. در مقابل، آشفتگی ظاهری و به‌هم‌ریختگی آن نشان‌دهنده‌ی عدم آرامش خاطر و وجود هنجار درونی شخص است. اگر خودآرایی و آراستگی ظاهری توأم با خودآرایی و رسیدگی به درون باشد، سبب نفوذ فرد در دل دیگران می‌شود و گفته‌هایش زودتر در دیگران تأثیر می‌گذارد. آراستگی ظاهری، اندوه را از انسان می‌زداید؛ چراکه تمیزی و زیبایی ظاهری، شادابی و نشاط می‌آورد و جایی در دل انسان برای غم باقی نمی‌گذارد. در مقابل، استفاده از لباس‌های ژولیده، نامرتب و تیره، دل را سیاه می‌کند و غم را در انسان به وجود می‌آورد: «حتی برخی

روایات پوشیدن کفش سیاه را عامل ایجاد غم و غصه، معرفی کرده‌اند (صدوق، ۱۴۰۳: ۹) امام صادق (ع) می‌فرماید: «إن الله عزوجل يحب الجمال والتجمل ويغض البؤس والتباؤس (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۴۰) خداوند، زیبایی و آرایش را دوست دارد و از زشتی و زشت نمایی، بیزار است.»

رعایت عرف و اعتدال

ضرورت آراستگی مورد اتفاق همگان است؛ ولی چون سلیقه‌های افراد در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون متفاوت است، هرگز نمی‌توان الگوی ثابتی را ارائه کرد؛ ولی در مجموع می‌توان عرف و اعتدال را معیار قرارداد و بر محور آن، برنامه‌تزیین و تجمل را طراحی نمود؛ به‌گونه‌ای که نه به‌طور کلی از آراستگی، نظافت و تزیین بدن و لباس دست شست و نه آن را اصل قرارداد و همه همت و درآمد مالی خود را صرف تزیین و تجمل کرد. امام علی (ع) بهترین الگوی آراستگی را چنین معرفی می‌فرماید: «إن أحسن الزی ما خلطك بالناس و جملك بینهم و كف ألسنتهم عنك (آمدی، ۱۴۲۰: ۴۳۷) همانا نیکوترین شکل زندگی، آن است که تو را به مردم نزدیک کند و در میان آنان زیبایی گرداند و زبان آنان را نیز از [گفتگو درباره] تو بازدارد.»

گرچه اسلام به آراستگی ظاهری اشاره فرموده است ولی پوشیدن لباس‌های فاخر و گران‌قیمت، برای فرد عالم که در عرصه‌ی تبلیغ است، مناسب نیست، بخصوص در شرایطی که جامعه از وضع بد اقتصادی رنج می‌برند، حتی اگر پول آن را از راه حلال به دست آورده باشد اگرچه حرام نیست ولی با توجه به فضای اقتصادی و فکری جامعه، استفاده از لباس‌های گران‌قیمت برای یک مبلغ دینی شایسته نیست. نه تنها لباس فاخر برای روحانی که به ایفای وظیفه تبلیغی می‌پردازد مناسب نیست: «بلکه در شرایط حاضر، پوشیدن لباس‌های بسیار ساده، پاره و بی ارزش هم مناسب نیست زیرا در شرایط حاضر، طوری است که اگر کسی مثلاً پیراهن کرباس، لباس‌های وصله‌دار یا کفش پاره بپوشد، در نظر مردم، نشانه

گدایی بودن اوست؛ درحالی که سابقا شاید نشانه زهد و عدم علاقه به مادیات به حساب می آمد (وافی، ۱۳۸۸: ۴۷۵)

اقسام آراستگی ظاهری

به طور کلی آراستگی ظاهری فردی در چند زمینه بروز و ظهور می یابد که با توجه به ظرفیت این تحقیق به برخی از آن ها اشاره می گردد:

الف) حالات چهره و قیافه ظاهری

نخستین حالات ظاهری که بیش از همه جلب توجه می کند، چهره و قیافه ظاهری است که در روایات بدان اشاره شده است. امیر مؤمنان با اشاره به آراستگی، جمال و کمال وصف نا پذیر آن حضرت می فرماید: «و لقد کنت انظر الیهما فتتکشف عنی الهموم والاحزان» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۳۴) به خدا سوگند، زندگی زیبا و باصفای من با ریحانه پیامبر به گونه ای بود که نه من او را به خشم آوردم و نه او مرا آزرده ساخت. به گونه ای که تماشای جمال و کمال او و حضورش در زندگی ام، همه غم و اندوه و آثار مشکلات و تنگناها را از زندگی ام می زدود.

مصادیق آرایش و آراستگی:

۱. موی سر

موی سر، یکی از عناصر اصلی و عمده در شکل ظاهری هر فرد به حساب می آید. رسول خدا صلی الله علیه وآله درباره نگهداری از موی می فرماید: «من اتخذ شعرا فلیحسن ولا یته أو لیجزه» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۲۸) هر کس می خواهد موی سر بگذارد، باید آن را [با شانه کردن و نظیف داشتن] نیکو نگهدارد و یا اینکه آن را کوتاه کند. از امام صادق علیه السلام نیز درباره موی سر این گونه روایت شده است: «إن من أجمل الجمال الشعر الحسن» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۱۵) از جمله زیباترین زیبایی ها، موی زیباست.

با توجه به اهمیت و ضرورت آراستگی ظاهری، در اسلام بر شانه و استفاده بسیار از آن، سفارش شده است: «من اتخذ شعرا فلم يفرقه فرقه الله بمنشار من نار.» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۲۵) هر کس مو بگذارد و آن را متفرق نکند [شانه نزند] خداوند با شانه آتشین آن را، شانه خواهد کرد. در اهمیت شانه همین بس که در روایت است که یکی از اشیایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در همه سفرها به همراه داشت، شانه بود (المقریزی، ۱۴۲۰: ۱۹۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۵)

۲. ریش و سیل

علاوه بر موی سر، مواظبت بر ریش و شارب (سیل) نیز مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لا يطولن أحدكم شاربہ فإن الشیطان یتخذہ مخبأً یستتر به.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۱۱۴) هرگز کسی از شما شارب خود را بلند نسازد که به تحقیق، شیطان آن را پناهگاه خود می کند؛ و خویشتن را با آن مخفی می سازد. (کنایه از اینکه جایگاه آلودگی ها و میکروب ها خواهد شد.)

در روایات است که کوتاه کردن سیل از نظافت و جزء سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله است (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۰) بر همین اساس رسول خدا (ص) می فرماید: «من لم يأخذ شاربہ فلیس منا» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۶۷) کسی که شاربش را [بلند نگه دارد و] کوتاه نکند از ما نیست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی را دید که ریش بلند و نامرتبی داشت، فرمود: «چه اشکال داشت که این مرد، ریش خود را اصلاح می کرد؟» آن مرد شنید و ریش خود را به طور معتدل اصلاح کرد و نزد حضرت آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله چون او را دید، فرمود: «این گونه اصلاح کنید (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۳۰) از امام صادق (ع) نقل شده است که: مردی در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و اجازه ورود خواست. چون آن حضرت خواست

بیرون بیاید، در اتاق خود، کاسه چرمین کوچکی دید که آب داشت، کمی ایستاد و در آن نگاه کرد تا ریش خود را صاف و مرتب کند. هنگامی که به درون خانه بازگشت، عایشه گفت: «ای رسول خدا! تو سرور فرزندان آدم و فرستاده پروردگار جهانیانی! در برابر این کاسه چرمین (که کمی آب دارد) می ایستی و سر و ریش را صاف می کنی؟!» فرمود: «إن الله تعالى يحب من عبده إذا خرج إلى إخوانه أن يتهيأ له ويتجمل» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۹۶) خدادوست دارد هنگامی که بنده مؤمنش نزد برادر خود می رود، خود را مرتب و آراسته کند. پس اصلاح موی سر و نیز کوتاه کردن شارب از آن جهت در اسلام سفارش شده است که هم از نگاه ظاهری به شخص زیبایی می بخشد و هم با رعایت بهداشت جسمی موجبات سلامتی جسمی را فراهم می سازد.

ب) پاکیزگی دهان

از جمله آراستگی ظاهری که باعث زیبایی در فرد می شود و از سوی در ایجاد رابطه بین انسان ها نقش مهمی دارد، پاکیزگی دهان و دندان است. بی شک، داشتن دندان های تمیز و سفید، خواسته هر فرد آراسته است؛ زیرا علاوه بر تأثیر بسزا در سلامت جسمی افراد، در زیبایی ظاهری نیز مؤثر است. از این رو پیامبرگرامی اسلام (ص) اینگونه به مسواک زدن سفارش فرموده است: «ما زال يوصيني بالسواك حتى ظننت أنه سيجمع له فريضة» (صديق، ۱۳۷۶: ۴۲۸) آن چنان جبرئیل، مرا به مسواک زدن سفارش می کرد که گمان بردم آن را واجب خواهد کرد. از آن گذشته، بوی مطبوع دهان هنگام صحبت با دیگران، بستگی مستقیم به رعایت بهداشت دندان ها و رسیدگی به آن ها و در نتیجه سالم بودن آن ها دارد. از دیدگاه اسلام اهمیت استشمام بوی مطبوع از دهان انسان به انسان به اندازه ای است که با تمام سفارش اسلام بر حضور در مسجد، کسی که دهانش بوی سیر، پیاز و... می دهد نباید در مسجد حضور یابد (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۵۵).

وقتی اسلام استشمام بوی سیر را از یک فرد عادی نمی‌پسندد، بدون تردید استشمام بوهای مختلف از دهان یک عالم دینی که خود ترویج‌کننده خوبی‌های ظاهری و باطنی است را نمی‌پسندد؛ زیرا که شغل او اقتضا می‌کند تا با تمام افراد جامعه در ارتباط باشد. همان‌گونه که بوی خوش از او یکی از عوامل جذب‌کننده است، هرگونه بوی مشمتزکننده عامل طرد افراد از اطراف وی خواهد شد. ابوایوب انصاری، میزبان پیامبر (ص) در مدینه می‌گوید: «شبی برای آن حضرت، غذایی همراه پیاز و سیر آماده کردیم و به حضور آن حضرت بردیم. حضرت از غذا نخورد و آن را رد کرد. عرض کردم: «پدر و مادرم به فدایت! چرا از غذا نخوردی؟ آیا مشکلی داشت؟» در پاسخ فرمود: «نه به خاطر بوی غذا، آن را نخوردم (المقریزی، ۱۴۲۰: ۳۰۹).

ج) استفاده از بوی خوش

پیشوایان دین امت را به استفاده از بوی خوش سفارش می‌کنند. برای ظاهر شدن در میان مردم، استعمال بوی خوش، مورد عنایت و ویژه شارع مقدس اسلام بوده است. در تاریخ نقل شده است که هزینه عطر رسول اکرم (ص) گاه بیش از خوراک ایشان بوده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۴). و ایشان با مشک، خود را خوشبو می‌فرمود، چندان که مشک بر فرق سر حضرت، برق می‌زد و نیز خود را با عطر خوشبو می‌کرد گاه «بوی این عطر به اندازه‌ای بود» که در شب تاریک پیش از آنکه دیده شود از بوی خوشش شناخته می‌شد؛ چنان که رهگذران می‌گفتند: این پیامبر است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۴)

در مورد امام صادق (ع) نیز می‌خوانیم: «جایگاه و محل عبادت آن بزرگوار در مسجد از بوی عطر آن حضرت فهمیده می‌شد. (همان ...: ۴۲) البته در روایات بین عطر زنانه و مردانه فرق گذاشته شده است. عطر زنانه، آن است که رنگ آن آشکار و بوی آن پنهان باشد و عطر مردانه، آن است که بوی آن آشکار و رنگ آن پنهان باشد (ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ۵۱۲۳۴۱).

استفاده حضرت فاطمه از بوی خوش

از اسماء نقل شده است که: آن بانوی اندیشمند همواره آراسته و عطرآگین بود و این کار را نوعی عبادت و مایه تقرب به خدای شمرده؛ به گونه‌ای که حتی در واپسین لحظات زندگی‌اش وضو ساخت و جمال پرفروغ و نورافشانش را آراسته‌تر نمود و به من فرمود: هان ای اسماء! عطر مرا که همیشه با آن خویشتن را عطرآگین می‌سازم، بیاور و پیراهنی را که همواره با آن نماز می‌گزارم، حاضر ساز و بر بالین من بنشین تا لختی بیاسایم. به هنگام فرارسیدن وقت نماز، مرا از خواب بیدار کن؛ اگر بیدار شدم که به عبادت و نیایش می‌پردازم و اگر بیدار نشدم، کسی را از پی امیرمؤمنان بفرست و جریان را به او گزارش بده (اریلی، ۱۹۸۵: ۶۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ق: ۵۰۷)

از بانوی نیکوکردارام سلمه نقل شده است که: از ریحانه پیامبر پرسیدم: سرورم! آیا عطر و بوی خوشی نزد خویش دارید؟ فرمود: آری! و بی درنگ شیشه عطری آورد و اندکی از آن را بر کف دستم ریخت. بوی خوشی از آن برخاست که هرگز به مشام نرسیده بود؛ توگویی از عطرهای بهشت است (طوسی، ۱۳۸۸: ۴۲) ذروان مدائنی می‌گوید: «به محضر امام کاظم علیه السلام رفتم، دیدم موی صورتش را با رنگ سیاه رنگین کرده است. عرض کردم: فدایت شوم! محاسنت را رنگ کرده ای؟» فرمود: بله همانا خضاب کردن، پاداش دارد. آیا نمی‌دانی که سر و وضع مرتب داشتن بر پاکدامنی زنان می‌افزاید؟! آیا تو دوست داری که وقتی با سر و وضع نامرتب، نزد همسرت می‌روی او را نیز مانند خودت ببینی؟» گفتم: نه فرمود: او نیز همین طور است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۷۹). امام صادق (ع) در این روایت اینگونه به زینت و آراستگی ظاهری اشاره می‌فرماید: «کونوا لنا زینا و لا تکونوا علینا شینا» (فتال نیشابوری، بی تا: ۴۶۷). موجب آراستگی و آبرومندی ما باشید، نه مایه زشتی و بدنامی ما. منظور از زینت و زشتی که در این روایت به آن اشاره شده است، آراستگی ظاهری و باطنی است و به یقین، آراسته بودن شیعیان، به ویژه مبلغان دینی، نقش بسزایی در جلب قلوب مردم خواهد داشت.

ب) آداب باطنی

۱. ارتباط کلامی با مخاطبان

درمیان همه ملت ها و فرهنگ ها، مردم به هنگام ملاقات و دیدار بایکدیگر، برای ابراز احساسات و عواطف خود و خرسندی و رضایت از دیدار و نیز خوشامدگویی و برای شروع گفت و گو بایکدیگر، راه و روش خاصی ابداع کرده اند و برای این منظور باواژه ها و حرکات، این مقصود را می رسانند در سنت اسلامی، برای تأمین این منظور سلام کردن به یکدیگر، مصافحه (دست دادن) و معانقه (یکدیگر را در آغوش کشیدن) در نظر گرفته شده است امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «سلام، تحیت و درود ملت ما است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶) سلام کردن، از دستورات الهی قرآن کریم است.

در اسلام به مؤمنان سفارش شده است که به یکدیگر سلام کنند. پیغمبر اکرم (ص) به زنان و کودکان نیز سلام می کردند سلام با سلامتی هم خانواده است و مفهومی این است که هیچ خطری تهدیدی از سوی سلام کننده، متوجه مخاطب او نیست. سفارش اسلام به سلام، در ابتدای ارتباطات انسانی و به ویژه خانوادگی، منطبق و سازگار با فطرت انسان است.

زندگی دردنیای کنونی اغلب با دلهره و اضطراب توأم است. بنابراین، در اولین برخورد دوانسان، مطلوب ترین نوع برقراری ارتباط، دادن امنیت و آرامش به مخاطب خویش است تا مطمئن شود که از طرف مقابل ضرری متوجه او نیست اهمیت سلام تا آنجاست که یکی از نام های مبارك خداوند سلام می باشد. یکی از نام های بهشت که خانه آرامش و آسایش انسان است، دارالسلام نامیده شده است. بدیهی است که چنین ارتباط و آرامشی، زمینه های کارآمدی خانواده و رشد اعضای خود را، فراهم می سازد.

سلام که به معنای دعا و درخواست است موجب امنیت خاطر، سلامتی و آرزوی موفقیت و کمال مطلوب برای مخاطب است. از این روی، در قرآن کریم، در برخی موارد واژه سلام با کلماتی که معنای امنیت دارند، همراه است که این تقارن لفظی، خود قرینه

تقارن مفهومی سلام و امنیت است: «اوست خدایی که جزاو خدایی نیست. اوسلطان مقتدر جهان است؛ پاك ازهر عیب و آلايش است؛ امنیت بخش و نگهبان جهانیان و قاهر و مقتدر و جبار است (حشر: ۲۳) غیر از عمل به این دستورات، ترک یک سری از امور نیز لازم است؛ مانند ترک گفتار و کلامی که هیچ گونه خیری جز ایجاد کینه و بد بینی در آن نیست. ترک سوگند به خدا، ترک پیروی از هوی و هوس و ترک هر آن چه انسان را از رسیدن به کمال باز می دارد (ابن مسکویه، ۱۳۹۸: ۹۶-۱۱۲) انسان از نگاه سرشت انسانی، دارای سه نفس شهوانیه، غضبیه، ناطقه است. هرگاه نفس ناطقه، بافضیلت گرایی و دوری جویی از رذائل مانند پست فطرتی، خدعه گری و چاپلوسی، بردو نفس دیگر چیرگی به دست آورد آن گاه انسان نیکوکار و دادگر و نیکو رفتار خواهد بود (ابن زکریا، ۱۳۷۱: ۵۶)

۲. استفاده از زبان رایج بین مردم

سخن گفتن با ادبیات و زبان روز و رایج در بین مردم، از زمره ویژگی های یک مبلغ دینی است. هرگاه مبلغی با فرهنگ و گویش مردم آشنایی داشته باشد، بهتری می تواند گفته ها و پیام خود را به مخاطب انتقال دهد. امروزه در میدان جنگ رسانه ها، انتقال پیام و افکار با استفاده از ادبیات گفتاری و زبان های بومی صورت می گیرد.

۳. استفاده از فناوری های نوین در عرصه تبلیغ

آشنا سازی با منطق، زبان و اندیشه های نوین از دیگر تبلیغات کارآمد است. شناخت منطق، زبان و ابزار مدرن روز می تواند به هم زبانی با نسل ها و قشرها منجر شود و آشنایی با اندیشه های نوین نیز ضامن پویایی و تحرک سازمان تبلیغ بوده است و همگی می توانند به مدیریتی توانا و پیشرو یاری رسانند. همراهی با زمان و شناخت مکان و در مواردی پیشی گرفتن از زمانه از بایسته های مدیریت تبلیغ دینی است. انتظار هجوم و سپس دفاع، از آسیب های جدی است که پیکره مدیریت را تهدید می کند. قرآن کریم بر این راهبرد اساسی تأکید کرده، می فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله

(انفال: ۶۰) ازهر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن ها آماده سازید و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن خداودشمن خویش را بترسانید.» شهید مطهری رحمه الله نیز هدایت و رهبری را از گذرگاه شناخت میسر دانسته، می فرماید: «باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت (مطهری، ده گفتار، مقاله «رهبری و نسل جوان ۱۳۷۶: ۱۸۵)

۴. خوش کلامی

بیان شیوا و خوش سخن بودن در سرعت انتقال محتوای پیام، تأثیر بسزای دارد کسانی که خوش کلام هستند، زودتر می توانند در قلوب مردم نفوذ کنند.

۵. خوشرویی

- نقش خوشرویی در ثمر بخشی تبلیغ

در نقش تأثیرگذاری خوشرویی در تبلیغ، تردید وجود ندارد. خوشرویی با اطرافیان یکی از زمینه های موفقیت در حوزه تبلیغ دینی است. نقش این مهم از متون دینی نیز بدست می آید و پیشوایان دینی با توجه به اخلاق و منش مردمی که داشتند، توانستند مردم را به خود علاقمند و به اسلام جذب کنند. مردمی که گرد مبلغ جمع می شوند، گاهی اسباب آزرده و دل سردی و اوارا فرام ساختن و با اصرارها، نادانی ها، خشنونت ها، بد رفتاری ها و پرگویی های خویش، مبلغ را به ستوه می آورند، مردم از مبلغان توقع دارند که از نیکوترین اخلاق برخوردار و برای دیگران الگو باشند و به دیگر سخن، مردم انتظار دارند که مبلغ و نماینده مذهبی در صفات برتر و ملکات نیکو، خلیفه و جانشین رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) باشد.

برای کامیابی در معاشرت، حسن خلق، نخستین شرط است. هیچ صفتی از صفات اخلاقی نمی تواند به اندازه خوشرویی، عواطف دیگران را برانگیزد و ایشان را به سمت خوبی ها و نیکوکاری بکشانند و از ذایل و کارهای پست باز دارد. رسول خدا (ص) می

فرمایند: «انکم لن تسعوا الناس بأموالکم ولكن یسعهم منکم بسط الوجه وحسن الخلق (منذری، بی تا ۴۱۱) شما که نمی توانید باثروت خود دل همه مردم را به دست آورید، پس با روی باز و حسن خلق با آنان برخورد کنید.

راز محبوبیت در گرو خوش خلقی است و رمز یگانگی اجتماعی در پرتو خوشرویی فراهم می آید. کسی که در رفتارش با دیگران خوش برخورد است، مانند آهن ربایی است که فلز وجود انسان هارا به سوی خود می کشاند و پراکنده ها را به هم متصل می سازد و از این روی آدم خوش اخلاق بخصوص یک مبلغ دینی هیچ گاه احساس تنهایی نمی کند.

امام علی (ع) فرموده است: «من حسنت خلقه کثر محبوه و انست النفوس به (آمدی غررالحکم، ج ۷ بی تا: ۹۴) آن که خوش خلق باشد، دوستان فراوانی خواهد داشت و دیگران نیز، با او انس و محبت می گیرند.

از برر سی زندگی پیامبران، بویژه پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام چنین استفاده می شود که آن بزرگواران، برای رسیدن به هدف های تربیتی خود، از اخلاق اجتماعی و اصول انسانی و حسن خلق، بهره می گرفته اند. شیوه برخورد آنان با مردم، چنان بود که به سرعت آنان را به سوی هدف های خود جلب و جذب می کردند و در ژرفای جان مردم نفوذ می یافتند. قرآن به روشنی می فرماید: «به خاطر رحمت الهی است که نسبت به مردم نرمخو شده ای که اگر خشن و سنگدلی بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند (آل عمران: ۱۵۸)

به هر نسبت که انسان خود را از خصلت های ناپسند دور سازد و نهال وجودش را با حسن خلق آبیاری کند، ثمره وجودی او هم برای خودش که آرامش روانی باشد را در پی دارد و هم در روابط اجتماعی با دیگران بیشتر می گردد. علی (ع) می فرماید: «من لان عوده کثفت اغصانه (نهج البلاغه، حکمت: ۲۱۴) هر که نهال [خوی و خلق] به بار بود شاخ و برگ او بسیار بود» این کلام، کنایه از آن است که هر کس ساقه درخت وجودش نرم گردد و در برخورد با دیگران متواضع و خوشخو باشد، دوستان و طرفداران بیشتری به دست می آورد.

بدخلقی، یکی از آفات مردم داری است. ترش رویی نفرت آفرین است. افراد بداخلاق، نه تنها باعث انزجار دوستان خود هستند، بلکه خود عمیق تر از دیگران رنج می برند و شهادت زندگی را در کام خود تلخ می کنند و آب زلال حیات را ناگوار می سازند علی علیه السلام می فرماید: «سوء الخلق یوحش القریب وینفر البعید» (آمدی تمیمی، ۱۳۹۳: ۹۵) بدخلقی، خویشان را دور و بیگانگان را گریزان می سازد.

گفتنی است که این ویژگی برای مبلغان، اهمیت دو چندان دارد. آنان مورد اعتماد مردمند و تبلیغ عملی و حسن سلوک و رفتار نیک آنان، زمینه ساز جذب و گرایش مردم به سوی فرهنگ و ارزش های اسلام می گردد. اگر آنان به آن چه می گویند عامل باشند و اخلاق اسلامی را در سیره عملی خود، به نمایش گذارند، تأثیر سخنانشان چند برابر می شود. اخلاق و برخورد دلنشین مبلغان دینی، خود نوعی تبلیغ غیر مستقیم است که اثرش از تبلیغ مستقیم بیشتر است.

- بخشش و چشم پوشی

از جمله زمینه های مهم مردم داری، بخشش و چشم پوشی است که این مهم برای مبلغان دینی بیش از دیگران ضروری است. این خصلت از مکارم اخلاقی به شمار می رود و نشانه بزرگواری روح انسان است. آن کس که به این فضیلت اخلاقی دست یافته است، از افق بالا و گسترده به حوادث می نگرد، کشتی وجودیش با طمانینه از گرداب ها و توفان ها می گذرد و نهال روحش در برابر تندبادها مقاوم و استوار است و هم چون درخت پرثمری است که هر کس می تواند از حاصلش استفاده کند. کسی که از این صفت بر خوردار است کاسه صبرش، با حوادث ناچیز و اندک لبریز نمی گردد و با این که قدرت بر انتقام دارد، ولی آن را کنترل می کند و از اشتباه طرف چشم پوشی می کند.

بخشش و چشم پوشی از لغزش دیگران باید در جایی به کار گرفته شود که باعث تغییر رفتار در شخص گردد و اگر در جای که بخشش و چشم پوشی از اشتباه کسی، عامل

جسارت و تجری گردد، آن بخشش زیانبار خواهد بود. امام سجاده (ع) می فرماید: «و حق من اساء ان تعفو عنه وان علمت ان العفو يضرائك» (ری شهری، ۱۳۶۲: ۳۷۲) حق کسی که به تو بد کرده آن است که او را ببخشی و اگر دانستی که بخشش تو زیانبار است بد کننده را به کیفر بدش برسان.

مبلغ دینی در مسیر تبلیغ و پیام رسانی، ممکن است با صحنه ها و برخوردهای خشماگین و کینه توزانه ای رو به رو شود که بایست آمدن این شرایط، کارایی بخشش و گذشت به مراتب بیشتر از برخورد متقابل و انتقامی باشد. در این گونه موارد جاذبه ای که گذشت ایجاد می کند، زمینه ای می شود برای گرایش مخالفان و آدم های نا اهل به سوی ارزش ها و این به نوبه خود، عاملی است ارزنده در جذب مردم به کار نیک و پسندیده.

نتیجه

در این تحقیق به رعایت برخی از آداب و نقش آن در تمرین بخشش تبلیغ اشاره شده است و پس از بررسی مفاهیم کلیدی آداب که در حوزه تبلیغ تأثیر گذار است به دوشکل مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است آداب ظاهری مانند رعایت لباس، سرو صورت آراستگی ظاهری به هرنوع که موجب جلب توجه مخاطبان قرار می گیرد و نیز آداب باطنی همانند خوش کلامی و هم کلام شدن با مخاطبان و استفاده از ادبیات روز و سلیقه پسند و پرهیز از خشونت.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح.

۳. ابن مسکویه، احمد بن محمد تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، بیروت چاپ حسن تمیمی، ۱۳۹۸.

۴. ابن زکریا، یحیی بن عدی بن حمید، تهذیب الاخلاق، ترجمه دکتر سید محمد دامادی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ ش.

۵. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۶. اربیلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ۲، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۹۸۵ م.
۷. بیرو، آلن؛ فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۸. جیدرشیدپور، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش‌ها)، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ج ۶، ۱۳۷۶.
۹. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۳ مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. الجامع الصغیر، جلال‌الدین سیوطی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق، ج ۱.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۱۳. کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۱۴. آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم، تحقیق: مصطفی درایتی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. آمدی تمیمی، عبد الواحد، غررالحکم، ج ۷ ناشر: صبح پیروزی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. آمدی، عبد الواحد، تصنیف غررالحکم، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. بحرانی اصفهانی، عبد الله ابن نورالله، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، مؤسسه الامام المهدی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، دار المعارف، مصر، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق، ج ۱.
۱۹. حرانی، حسن ابن شعبه، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۶، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۶۲ ش.
۲۱. صدوق، الخصال، ج ۱ انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، ج ۱، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. ---- امالی صدوق، ترجمه. مرحوم آیت الله کوه کمره ای، چاپخانه اسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.

۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۵، تحقیق: سید احمد حسینی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. طوسی تهذیب الاحکام، ج ۳، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، امالی طوسی، مترجم: صادق حسن زاده، قم، اندیشه هادی، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، ج ۲، انتشارات رضی، قم.
۲۹. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. المقریزی، تقی الدین، امتاع الاسماع، ج ۲، تحقیق: محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. مطهری مرتضی، دهگفتار، مقاله «رهبری و نسل جوان» ۱۳۷۶ ش.
۳۲. منذری، زکی الدین عبدالعظیم الترغیب و الترهیب، ج ۳، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
۳۳. محسنی، منوچهر؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، طهوری، ج ۱، ۱۳۸۶.
۳۴. وافی، علی نسیم هدایت، انتشارات شفق، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.